



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2022.72324.1073

مقاله پژوهشی

مقاله پژوهشی

## تحلیل کیفی زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری رقابت منفی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر قوچان

محمود رضائی اترآباد (دانش‌آموخته کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

[rezaei.mahmoud@mail.um.ac.ir](mailto:rezaei.mahmoud@mail.um.ac.ir)

دکتر بهروز مهram (دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده

مسئول)

[bmahram@um.ac.ir](mailto:bmahram@um.ac.ir)

دکتر احمدرضا حیدریان شهری (دانشیار گروه ادبیات عرب، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

[heidaryan@um.ac.ir](mailto:heidaryan@um.ac.ir)

### چکیده

این مطالعه با هدف واکاوی زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری رقابت دانش‌آموزان متوسطه در شهر قوچان انجام شد. رویکرد حاکم، کیفی بود و از پارادایم تفسیری و پویای روایتی بهره گرفته شد. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه ساختارنا یافته استفاده شد. قلمروی پژوهش در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ و دو دبیرستان پسرانه در شهر قوچان بود. با ۲۲ نفر مصاحبه انجام گرفت که ۱۷ نفر دانش‌آموز و ۵ نفر دبیر بودند. دانش‌آموزان مشارکت‌کننده با استفاده از روش گلوله‌برفی و براساس معیار دارابودن ویژگی‌های رقابتی انتخاب شدند. برای اعتباربخشی به یافته‌های پژوهش از فنون سه‌سویه‌سازی و توصیف غنی و واریسی متون بازنویسی شده توسط مصاحبه‌شونده‌ها استفاده شد. تحلیل یافته‌ها از

---

مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هجدهم، شماره ۱، بهار و تابستان

۱۴۰۰، شماره پیاپی ۳۷، صص ۲۵۴-۲۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

طریق تحلیل مضمون (تماتیک) و از طریق کدگذاری باز و محوری انجام پذیرفت. گزارش این پژوهش همراستای با تجویز استفاده از زبان هنر در پژوهش‌های روایتی، به صورت نظم (شعر)<sup>۱</sup> تدوین یافت. عواملی همچون کسب محبوبیت، جلوگیری از تحقیر، توانایی رقابت کردن، مقایسه‌های والدین، جلب توجه معلم و ترس از پیشی گرفتن رقا از جمله مواردی بود که موجب تشدید رقابت منفی بین دانش‌آموزان می‌شد. ارزیابی فعال و مستمر معلمان، ایجاد نیاز یادگیری در دانش‌آموزان برای ایجاد اشتیاق درونی و فراغت از جلب توجه دیگران و آموزش و آگاه‌سازی خانواده درباره آسیب‌های رقابت، از پیشنهاد‌های این مطالعه بود.

۱. مطالعات مبتنی بر پویای روایتی، متمرکز بر تجربه‌های زیسته درباره زندگی و کیفیت آن در بافتی اجتماعی است. در مواجهه با این روش، برخی مانند Elbaz (نقل شده در کانلی و کلاندینین اثر شورت و ترجمه مهرمحمدی: روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی، ص. ۱۶۶) دغدغه اصلی را داستان می‌دانند. این داستان روایتی از پیرامون ماست؛ روایتی که می‌تواند با شیوه‌ای پست مدرن و ساختار شکنانه، کلیت وجودی مخاطب را مشتمل بر عقل و احساس فراخوان کند و او را به سیری عمیق در پدیده اجتماعی مطالعه شده همراه کند. هوگان و نادینگر این منظور را با عنوان «شنیده شدن صدا» بیان می‌کنند و آن را تلاش شخص برای انتقال یک مفهوم به دیگری ذکر می‌کنند. آشنایی پژوهشگر با این نوع پژوهش دارای قدمتی نزدیک به دو دهه است؛ زمانی که پروفیسور نوئل گاف در نشست علمی در دانشگاه فردوسی مشهد، به رساله‌ای در مقطع دکتری اشاره کرد که به صورت شعر تدوین شده بود. او این نوع مواجهه را در راستای هدف پژوهشی روایتی دانست؛ تکنیکی که می‌تواند مبتنی بر رویکردی خردگرایانه و روشی پدیدارشناسانه باشد. پشتوانه‌های متعددی دست‌یافتنی است که می‌تواند این نوع نگارش و تنظیم گزارش‌های پژوهشی را توجیه کند؛ چنانچه کانلی و کلاندینین در مواجهه با روایت تصریح می‌کنند که نباید زبان ضابطه‌های روایت را به زبانی فروکاست که برای شکل‌های دیگر پژوهش ساخته شده است (اثر شورت، ص. ۱۸۱). اسپنس نیز برای حقیقت‌روایی (روایت)، چهار عنصر را دخیل می‌داند که یکی از آن‌ها «قطعیت زیبایی‌شناختی» است. بایرن نیز شیوه‌هایی بدیل و به خصوص استفاده از شعر را برای ساخت و انتقال معانی ارائه و پیشنهاد می‌کند. فارمن هم عنوان می‌کند که:

“The use of poetry and narrative as tools in qualitative research is explored. Poetry and narrative are shown to be valuable tools for presenting people’s lived experiences .....”  
این نوع مطالعات را می‌توان دارای ریشه‌هایی عمیق در فرهنگ و ادبیات فارسی دانست. آثار متعددی مانند بوستان و گلستان یا کلیله و دمنه را می‌توان مثال زد که برای توصیف و تبیین پدیده‌های اجتماعی و تربیتی از نثر و نظم بهره‌جسته‌اند و با بهره‌گیری از حکایات و ظرایف ادبی به انتقال پیام پرداخته‌اند؛ بایی که می‌تواند برای تعمیق هر چه بیشتر فهم پدیده‌ها از طریق همسویی احساس و اندیشه و مبتنی بر رویکرد کیفی در پژوهش فراهم آید.

### کلیدواژه‌ها: برنامه‌درسی، رقابت، پوشش روایتی، شعر، دانش‌آموزان.

#### ۱. مقدمه

سوت تعلیم عمومی چون زنند  
اکثراً روبه مدارس آورند  
پشت هر مقطع هزاران ریزش است  
ریزش از ناکامی و آموزش است  
یک طرف معدود پیروزی رسید  
یک طرف جمع کثیری ناامید<sup>۱</sup>  
قصه کنکور و کهنه نردبان  
حال ایران است کاید بر زبان  
ساختاری کاذب از دستورها  
می‌کند نزدیک‌ها را دورها  
شیوه برنامه‌ریزی گونه‌ایست  
کانعطاف اندر اصولش بیش نیست  
نی تنوع در نیاز و بهر شوق  
نی توجه بهر استعداد و ذوق  
نی توجه بر ضرورت‌های روز  
نز تحول کرده تدبیری هنوز  
رویگرد غالبش رفتاری است  
نمره و پاداش در وی جاری است  
سبک‌های یادگیری سنتی است

اندرونش این رقابت آفتی است  
انتظار آن است در غوغای درس  
دو گروه در تربیت آیند و بس  
یک گروهی نخبه‌های درس‌خوار  
دیگری کارگرانی عشق‌کار<sup>۲</sup>  
گوئیا دستی نهان این را نوشت  
کرد محکوم این دو را زین سرنوشت  
بهر تولید است مشق و درس ما  
نقدکردن یا تفکر ترس ما<sup>۳</sup>  
یک طرف خوب و مطیع و کارگر  
یک طرف مغزیست در راه سفر  
زین یکی محروم گردد سرزمین  
زان یکی وضع کنون همواره این  
کارگر خواهند و پیرو در نهان  
تو از اینجا خوان تمام داستان  
قبل از آن کز این رقابت دم زخم  
جای دارد فهم آن روشن کنم  
بوم پایان‌نامه زین نقش و نگار

2. Ornstein (2018, p. 32, Quoted from Phillip Jackson)

3. Ornstein (2018, p. 32, Quoted from John Holt)

کشف باید همچو گوهر در صدف  
 بر رقابت هر چه می‌دارد اثر  
 سعی خواهم کرد زان جویم خبر  
 از نظام درسی و تقصیرها  
 نقش اسناد فرادستی ما  
 از قوانین وانچه شد هنجار ما  
 وانچه ننوشته است و شد رفتار ما<sup>۲</sup>  
 هر چه تندور رقابت گرم داشت  
 هر که چوب هیزمش از قبل کاشت  
 جملگی مقصود پایان نامه است  
 تارو پود بسته این جامه است  
 جامه می‌باید که دوزیم از نهان  
 تا نیاید در نظر نخ‌های آن  
 نخ همان پیشینه باشد در مثال  
 جامه محکم می‌شود زین اتصال  
 از کجا ناشی رقابت می‌شود<sup>۳</sup>  
 کشت آموزش در آفت می‌شود  
 از محاسن وز معایب هر چه هست<sup>۴</sup>  
 سعی باید کرد تا آید به دست  
 یا چه فرهنگ رقابت می‌شود

کم کمک گردد ز تحقیق آشکار  
 نقش‌هایی از حکایاتی وزین  
 رنگ‌هایی با اشاراتی گزین  
 سعی دارم با روایاتی بجا  
 از حکایات و زبان بچه‌ها  
 از تجارب و ز نگاه نکته‌بین  
 دلخوری‌ها با بیانی دلنشین  
 بازسازی می‌نمایم داستان<sup>۱</sup>  
 تا که شیرین‌تر بیاید در بیان  
 هر کجا تمثیل شیرین‌تر کند  
 آورم تا کام خشکت تر کند  
 باب تمثیل از گذشته باز بود  
 قصه‌ای با یک مثل آغاز بود  
 چون کلیله دمنه یا هم مثنوی  
 نکته‌هایی کم نظیر از مولوی  
 تا که بهتر جا بیفتد آن نکات  
 کاین مثل بس صرفه دارد در دوات  
 چاقوی تحلیل بر اجرا زنم  
 دست خود بر آنچه ناپیدا زنم  
 آنچه در برنامه درسی نهان  
 گشته را خواهم چنین سازم عیان  
 آنچه پنهان است پشت این هدف

۲. برنامه درسی پنهان (hidden curriculum)

۳. سؤال اول

۴. سؤال دوم

1. Coles (1989)

بگذرد از وقت کم زان با شتاب  
جملگی درس است و درس و درس و  
درس

جای خلاقیت اینجا مانده ترس  
ترس جا ماندن ز جمع دوستان  
گرچه استعداد داری جا بمان  
نیست فرصت بهر تدریسی نوین  
اکتشافی یا بدیهه نکته این  
هست زنجیری که تا بالا به هم  
متصل هستند درس و وقت کم  
اشتیاق یادگیری کم شدست  
مایه‌ الگوپذیری کم شدست  
بر رقابت دل سپارند و ز آن  
جلب می‌دارند چشم دوستان  
در رقابت شوقی از بیرون رسد  
سرد گردد گر کم از افزون رسد  
زین سبب منفی است زیرا کاذب است  
منشاش چون از برون قالب است  
سعی کردم وصف آن کامل کنم  
لازم و ملزوم آن شامل کنم  
از نتایج هر چه گر آید به دست  
حکم قطعی نزد کیفی ابتر است  
همچو تعمیمات کمی نابجاست

باعث این درک مثبت می‌شود<sup>۱</sup>  
بحث باید جاگزین‌اش لازم است؟<sup>۲</sup>  
بحث اصلاً این چنین‌اش لازم است؟  
درنهایت چیست آثار نهان<sup>۳</sup>  
چیست زیر جنس‌های این دکان  
از پس این تلخ و شیرینی چه چیز  
عاید شاگرد گردد ناگزیر  
از رواج این رقابت در کجا  
می‌شود شخصی به درمان مبتلا  
این رقابت با دو شهرت آورند  
آنچه می‌گوییم، نامش بد برند  
نیست مستثنا چو قوچان زین بلا  
شرح خواهم داد شرح ماجرا  
مقصد کنکور و راهی پر نشیب  
همکلاسی بنگرد دایم رقیب  
هم رسانه دم زند بر آتشش  
مدرسه هم می‌دهد بال و پرش  
والدین از سوی دیگر در خروش  
ظرف آنان داغ‌تر از آتشش  
آن طرف از فصل‌های هر کتاب

۱. تعبیری دیگر از سؤال دوم

۲. سؤال سوم

۳. سؤال چهارم

انتقال کیفی‌اش اما رواست آنچه تعمیم نظر<sup>۱</sup> گویند هست بهر کسب بینش اما نافعست پرسش این باشد رقابت از کجا و اشود پایش درون ماجرا بستر تحقیق قوچان است و باز شرح می‌باید که گردد چاره‌ساز

**۲. تعاریف مفهومی**

شد رقابت با تسابق<sup>۲</sup> هم ردیف گرچه یکسان نیستند و یک حریف گرچه گاهی اشتبهاً جای هم در بیان آیند در معنای هم یک تفاوت باشد اینجا آشکار کز دل نیت برآید فرق کار در تسابق کوشش است و جدیت نیست در مقصود آن محدودیت هست پیروزی برای هر دو سو در موازاتند نی در روبه‌رو نیست اینجا رتبه‌بندی در میان زان نباشد باخت هرگز اندر آن در رقابت بحث جور دیگری است

جنگ و دعوایی برای برتری است چون که محدود است پاداش و جزا<sup>۳</sup> یک نفر شاد است و باقی در عزا جمله در یک خط و سبقت شد هدف یک نفر پیروز و باقی پشت صف در رقابت چون هدف محدود شد آشکارا دشمنی مقصود شد با همه این‌ها رقابت همچنان هست یک انگیزه نزد مردمان<sup>۴</sup> واژه‌ای کاینجا سخن از آن رود واژه فرهنگ و معنایش بُود واژه فرهنگ از تنگ و فر است فر شکوه و شوکت و هرچه سر است تنگ اوستایی نقش است و نگار برکشیدن معنی‌اش هست از قرار<sup>۵</sup> واژه فرهنگ در این ساختار زین دو مطلب می‌نماید آشکار حاصل اندیشه‌ها هنجارها هم رسوم و شیوه‌های کارها<sup>۶</sup>

### 3. McCarthy (2017)

۴. شعاری‌نژاد، ۱۳۸۵

۵. لغت نامه دهخدا (نسخه دیجیتال براساس نسخه

۱۲ جلدی فیزیکی)

۶. شارون (۱۳۷۹)، ص. ۶۶

### 1. Theoretical generalization

۲. معادل مسابقه (پیشی گرفتن بر هم) فرهنگ معین

یا بود فهمی ز الگوها بسا  
 در میان جامعه گیرد غنا  
 منتقل گردد به‌سان یک نماد  
 درک گردد جملگی را چون سواد<sup>۱</sup>  
 آنچه از عادات و آداب کنون  
 از میان اجتماع آید برون  
 از غلط یا از درستی والدین<sup>۲</sup>  
 می‌پذیرندش ز عامل‌های بین  
 هم‌چو تصدیق رقابت در کلاس  
 یا که آثار رقابت بر کلاس  
 آنچه بی‌الزام بینیمش وفور  
 تا که عادت می‌شود چون طعم شور  
 هرچه عادت شد پذیرش می‌شود  
 این پذیرش عرف را مبنای بود  
**۳. پیشینه نظری (چارچوب مفهومی)**

### ۱.۳. رقابت

از رقابت ابتدا گویم سخن  
 کان بود در بحث، شمع انجمن  
 در مقام وصف می‌گویند آن<sup>۳</sup>  
 حالتی باشد میان مردمان

همچنین این واژه تنها آن زمان  
 در همین معنی بیاید بر زبان  
 کاندرا آن برخورد رویارو<sup>۴</sup> بود  
 غیر از آن معنای آن وارو بود  
 دیگری گوید که نوعی باشد آن<sup>۵</sup>  
 از تعامل‌های انسانی‌مان  
 چون تعصب یا که همچون دشمنی  
 می‌شود ظاهر به نحو احسنی  
 همچنین وقتی منابع کم شوند  
 بهر کسب آن رقیب هم شوند  
 یونگ<sup>۶</sup> می‌گوید رقابت صورتیست<sup>۷</sup>  
 از تقابل که در آن همواره نیست  
 مقصدش تنها شکست دیگران  
 بر هدف دارد نگاه و کسب آن  
 لیک گویی وصف فوق از بحث پیش  
 برتسابق منطبق تر هست بیش  
 نیز گوید آنچه موجب می‌شود  
 تا رقابت را فراهم آورد  
 سعی در کسب هر آنچه روی خاک  
 نادرست و نیست ممکن اشتراک

۴. مستقیم

5. Myer (1988)

6. Yong

۷. ساروخانی (۱۳۷۰، ص. ۴۵)

۱. ساروخانی (۱۳۷۵، ص. ۱۷۵)

2. Babbage, Strudwick & Thacker (2005)

3. Reber (1985)

دوب<sup>۱</sup> گوید که رقابت کوششی است بهر کسب آنچه را تقسیم نیست نیز گوید جیمز در توصیف آن چون غریزه می‌کند تحریکمان تا به کار و کوشش او گردد چنان یا برابر یا فزون از دیگران<sup>۲</sup> کوهن گوید گر رقابت جاری است<sup>۳</sup> رویکرد کلی‌اش رفتاری است گوید او از بهر پاداش ار کسی در رقابت پای بگذارد بسی از ستیز و از حسادت در نهان شکل گیرد بستری در زیر آن این زمان شایع شکایت‌ها بود بحث بی‌عدلی حکایت‌ها بود گوید او پاداش در این رویکرد هیچ نقش مثبتی ایفا نکرد داشت نی در یادگیری کاربرد نی عملکرد بهینه پیش برد هر دو شکل بحث پاداش از شگفت جنبه منفی به هر نوعش گرفت

اولی وضعیست کاندر متن کار هست کمبودی دروغین برقرار همچو تندیس و مدال برترین تا رقابت می‌شود با آن قرین این‌چنین القا شود که هرکسی مانع بُردم تواند شد بسی دومی وقتی که پاداشی کم است هرکسی بهر شکارش ملزم است  
۳.۲. برنامه درسی<sup>۴</sup>

هست در معنای میدان نبرد یا چنان راهی که باید سیر کرد<sup>۵</sup> آمده، تعریف آن یک گونه نیست روبه‌رو این حوزه با بحران «چیست»؟ از نگاه آیزنر تعریف آن هست با هر رویدادی توأمان مدرسه یا در کلاس و هر مکان آنچه شد برنامه‌ریزی آن زمان هست تعبیری صحیح از این کلام گر هدف هم در نظر آید تمام<sup>۶</sup>

۴ واژه Curriculum از ریشه لاتین Race Course به دست آمده است.

5. Zais (1976)

6. Eisner (2002)

1. Doob

۲. شعاری‌نژاد (۱۳۷۲)

3. Kohn (1999)



چون تفاوت در تعاریف آید این رشته مذکور باشد بس وزین کز فزونی اندرین حوزه یقین بحث‌های تازه گردد جانشین<sup>۱</sup>

#### ۴. پیشینه تجربی

در یکی تحقیق این سان آمدست<sup>۲</sup> وین نتایج اندر آن آمد بدست<sup>۳</sup> کز رقابت‌های فردی بیشتر هر تلاش فردی‌ای دارد اثر یک پژوهش روی طیف کودکان این‌چنین آورده‌اش کرده بیان کودکان در کودکی وز ابتدا از رقابت دور هستند و رها جای آن در بازی و رفتار خویش می‌نماید یاری‌اش را یار خویش یا که در بیش از دوسالان دیده‌اند میوه یاری ز رحمت چیده‌اند

۱. فتحی و اجارگاه (۱۳۸۶)

۲. اصلانی (۱۳۷۷)

۳. این پژوهش با عنوان «مقایسه اثربخشی سه روش رقابت فردی و تلاش فردی و رقابت گروهی در پیشرفت دانش‌آموزان» بر دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهرستان خوی انجام شده و با آزمون توکی تفاوت‌های معنادار تأیید شده است.

کودک از این سن بکوشد آشکار با هر آن چیزی که دارد اختیار با زبان کوشد غمی پنهان کند همدلی با خاصه غمگینان کند<sup>۴</sup> پس چه می‌گردد که بعد سال چند از رقابت می‌شود یاری به بند از پژوهش‌های دیگر گفتنیست درد و نوعش مثل هم تأثیر نیست مستقیمش کم کند انگیزه‌ها چون زیرون است و کم دارد بها نوع دیگر برخلافش تا کمی می‌کند انگیزه را افزون همی چون که شد شایستگی همراه آن می‌دهد تأثیر زین رو آن چنان این دو را توصیف باید بیشتر تا بگیرد بیشتر در تو اثر اولی را لاجرم جنگ و ستیز بهر پیروزی بیاید ناگزیز یک طرف توفیق، کم، آن سوی بیش هر طرف در فکر و در سودای خویش نوع دیگر بیش خواهد، کار کرد هیچ در سر نیست سودای نبرد

4. Feshbach (1991)

غیرشخصی هست چون معیارِ او کار او گردد رقیبِ کار او آن عملکردی که باشد بهترین هست هنجار و ملاکی جاگزین باختن اینجا ز جا برپا شود سعی و کوشش باز پابرجا شود می شود تعدیل، مفهوم شکست هر که دل بر کارکرد خویش بست<sup>۱</sup> و آنچه غیر مستقیمش خوانده شد با تسابق بر زبانم رانده شد آنچه بود اینجا مراد از مستقیم با رقابت گشت تعریفش ندیم هر چه ناهنجاری است از این بود غافل این از کرده پیشین بود هست پیروزی هدف در این نگاه بر برون دارد نظر این دیدگاه در تکالیف سبک تر گفتنیست دانش آموز رقابت جو قویست<sup>۲</sup> چون نتایج هست در نزدش اهم یادگیری گر فداهم شد چه غم گر بیاید یک شکستی هم به پیش

دست می شوید ز سعی و کار بیش<sup>۳</sup> در عوض آنجا که همکاری کنند پر شود از شوق چون یاری کنند چون رقابت از برون انگیزش است شوق آموزش از آن در ریزش است<sup>۴</sup> ناقدان از این رقابت نکته چند در پژوهش های دیگر گفته اند چون می آموزند اولاد ذکور اجتماعی تر شدن از این امور<sup>۵</sup> از مهار آنچه تشدیدش کند سعی باید کرد تحدیدش کند هم می افزاید که شوقش مقطعی است در پی اش آثار منفی ماندنیست یک طرف بازنده با حس شکست آن طرف درباد کبر و خودپرست هم خشونت هم تقلب در جواب حس ناامنی و بعدش اضطراب<sup>۶</sup> گفته شد میل رقابت در ذکور در قیاس دختران دارد وفور

3. Lam & Chenug (2004)

4. Deci & Ryan (1985)

۵. مقصود از طریق رقابت کردن

6. Kohn (1986)

1. Tripathi (1992)

۲. این پژوهش بر دانش آموزان چینی انجام شد.

با خودآموزی است ربطش واژگون<sup>۱</sup> کم شود گر شد رقابت‌ها فزون<sup>۲</sup> چون یکی علت برون آید ز قال علتی دیگر نمی‌باشد محال جز رقابت بر خودآموزی مگر<sup>۳</sup> علتی دیگر همی دارد اثر دیگری گوید هدف چون نمره است یادگیری سطحی است و پیش دست<sup>۴</sup> آنکه پندارد که نمره است آن ثمر لذت کارش کجا آید نظر نکته‌ای اینجا نهان از بهر توست یا هر آنکس کاندرا آن انگیزه جُست<sup>۵</sup> از دگر تحقیق می‌آید به دست<sup>۶</sup> اغنیا را میل بر آن کمترست در ضعیفان<sup>۷</sup> نمره خود انگیزه ایست تا بگوید بهترین در کار کیست

نمره‌ای چون موجب تمجید شد صاحب آن مورد تأیید شد آن اوایل هست تشویق و قیاس بیشتر از این اواخر در کلاس زین سبب انگیزه هی کمتر شود شوق بیرونی ز سرها در شود<sup>۸</sup> یک پژوهش بر رقابت برده دست<sup>۹</sup> سعی در کشف عوامل کرده است<sup>۱۰</sup> هفت عامل کشف و می‌گردد بیان سه پسرها سهم و چارش دختران از دگر تحقیق اینجا نکته‌هاست<sup>۱۱</sup> ذکر یک چندی پیامد زان بجاست هر کرا میل رقابت اندروست بیشتر از سایرین پرخاشجوست چاره‌جو و مبتکر در کار گشت هرکسی چون گردد هر دشوار گشت

۱. این پژوهش بر دانش‌آموزان پایه هفتم مدرسه‌ای در هنگ کنگ صورت گرفته است؛ زمانی که از گروه رقابت جویی در یادگیری جانشینی مشارکت می‌کردند.

2. Chan & Lam (2008)

۳. در اینجا به معنی شاید.

۴. به جای پیش پا

5. Amabile (1982)

۶. دیانی و تقی‌پناهی (۱۳۸۷)

۷. از لحاظ مالی

۸. این پژوهش به منظور بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه‌های مطالعه، روی ۳۰۴ نفر از دانش‌آموزان پنجم دبستان و سوم راهنمایی شهر مشهد انجام شد.

۹. صادقی (۱۳۹۰)

۱۰. این پژوهش بر ۴۰۰ دانش‌آموز پسر و دختر دبیرستان‌های تهران در زمینه عوامل رقابت‌جویی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی انجام گرفته است.

11. Franken (1995)

چند گوید از دلایل بهر آن در سه فرض آورده آن را در بیان در یکی گوید به هر حالت همی کاندرا آن باشد رقابت هم کمی چون در آن پیروز و هم بازنده هست هم در آنجا اشک هست و خنده هست چون کسی خواهد شود پیروزبخت لاجرم باشد رقابت‌هاش سخت در دگر گوید رقابت قادر است تا فزاید بر مهارت هر چه هست چون چنین گردید بهبود عمل می‌نماید مشکلاتش جمله حل در دلیل آخرش گوید که این<sup>۱</sup> می‌کند انگیزه‌ها را بیش ازین هست تحلیلی مناسب این زمان تا نکاتی گفته آید در میان آخرین فرض آن چنان انگاشته منبع انگیزشش پنداشته حال باید دید حدش تا کجاست تا کجا پندار ما بس نابعاست لازم آمد کشف عامل‌ها شود تا گره‌هایش پس از آن وا شود

آنچه بگذشت از پژوهش در نظر جملگی‌شان داشت بر کارم اثر حوزه اجرا پژوهش کسر داشت صحنه خود بر جنس کار ما گذاشت تا به واکاوی آن دل بسپریم نکته‌هایی زان میان بیرون بریم ۵. روش پژوهش (روش، جامعه و نمونه، ابزار و شیوه تحلیل داده‌ها)

چون پژوهش‌های کیفی درخور است این چنین تحقیق اینجا بهتر است چون تجارب زنده است و نزد فرد پس پدیدارانه<sup>۲</sup> باشد رویکرد نوع پوشش هم روایی<sup>۳</sup> هست این از نکات و خاطراتی دستچین انتخاب دانش‌آموز درست با گلوله برفی‌اش خواهیم جست زانکه کیفیت ملاک کارماست این روش اینجا برای ما بجاست سال هفتم تا دهم مقصود ماست

۲. پدیدارشناسانه ((phenomenology))

دانش‌آموزی اگر ذکرش بجاست<sup>۱</sup> زانکه سن نوجوانی بیشتر هست در معرض پیامد در نظر برتری‌جویی است در رفتار او<sup>۲</sup> بیشتر گردد عیان در کار او هم کلامی<sup>۳</sup> و نظرکردن بسا هست ابزار پژوهش‌های ما آن چه در بحث است دیگر جای نیست حس و باور زین تعامل گفتنیست<sup>۴</sup> بهر پاسخ بر سؤال اولین بحث جمعی باید و پرسش یقین میوه را باید درون ریشه جست هر عمل را در همان اندیشه جست هر که درگیر رقابت بود راست<sup>۵</sup> یک چنین بحث عمیقی را سزاست

تا برآری سر زکار آنچه هست بحث باید کرد در چندین نشست در سؤال دوم و سوم یقین در ضرورت‌های طرح جاگزین از روش‌های سؤال از نخبگان و ان منابع کامد این مطلب در آن در سؤال آخرین هم لاجرم پای باید در روایت‌ها نهم از روایت‌ها برون آید یقین نکته‌هایی خفته زیر پوستین کاربرگ کدگذاری همچنمین هست وقت هم کلامی چون قرین شیوه تحلیل ثبت و سازمان کدگذاری‌های مضمون‌ها در آن تا به تحلیل مضامین دست برد کشف علت را بدان خواهم سپرد

#### ۵. ۱. شیوه اعتباربخشی به نتایج

متن چون شد هم کلامی آن زمان با پژوهیده گذارم در میان<sup>۶</sup> رفت و برگشت مباحث بعد کار هست اینجا راهکار اعتبار چون معاون هستم آنجا لاجرم

۱. نمونه، افرادی از دبیرستان دوره اول پسرانه شهید ستوده و دوره دوم هنرستان محمودیه ۱۲ شهرستان قوچان بودند که به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند.

۲. اکبری (۱۳۹۰)

۳. در این نوشتار به جای واژه «مصاحبه» به کار گرفته شده است.

۴. جای دیگر

۵. ریچارد (به نقل از گال و همکاران (۱۳۹۱))

۶. را است.

۷. گال و همکاران (۱۳۹۱)

هست دائم در نظارت منظرَم  
از دبیران چون فراگیران چنین  
در نمون آرم که بیش آید یقین  
با نظارت چون درآیند آشکار  
میکنم کامل سه سویه از قرار

۵. ۲. ملاحظات اخلاقی پژوهش

بر پژوهیده بود حقی که ما  
حفظ داریم این حقوقش بی چرا  
قبل ثبت و ضبط رخصت لازم است  
بهر پاسخ نیز فرصت لازم است  
شد رضایت شرط ثبت واقعات  
راستی باید چو می جویی نجات  
بهر تمدید حضورش پای کار  
مطمئناً دارد او این اختیار  
در حریم شخصی اش بی شک ورود  
نیست الزام و رعایت شد حدود  
سعی باید موقعی غیر از کلاس  
با پژوهیده کنم حاصل تماس  
بر پژوهیده من اطمینان دهم  
نامی از ایشان نیاید بر قلم

## ۶. یافته‌ها

در میان دانش‌آموزان بسی  
گشتم و درچین نمودم هرکسی  
تا به هفده تن که تعدادش رسید  
گشت اشباع و از آن کدها پدید  
عاقبت پنجاه و دو کد شد پدید  
در کلاس هشت هریک صف کشید  
این مفاهیم از سه سو شد برقرار  
هر یکی می‌کرد نقشی آشکار  
شرح آن در انتها در جدولی  
آورم چونان که زارع حاصلی  
آنچه می‌آید ز باب اختصار  
چون گلاب آرم ولیکن با عیار  
نکته‌هایی گفته شد در هر جواب  
آنچه کار آید نمودم انتخاب  
در سه محور گشت این کدها عیان  
تحت هر نقشی دهم هریک نشان  
۶. ۱. کد محوری نخست: چکیده  
صحبت‌هایی که از آن به نقش معلم اشاره  
شده است

روزی از سالن رسید آوای تار  
بس که دلکش بود گشتم بی‌قرار

از همان آغاز کردم گفتگوی بخت بهتر یار شد از جست‌وجوی از خودت گفتم بگو بی‌کم و کاست آنچه می‌دانی که در کارم بیجاست هر سؤالی را کمی با آب و تاب از صمیم قلب می‌دادم جواب گفست از اول من اول بوده‌ام ترسم از آن بوذ گردد نمره کم گفست آری خلق خوش شاید دبیر چون لباسی هست کار آید<sup>۱</sup> دبیر خلق نیکو جذب می‌دارد کلاس روی خوش هم جمع می‌دارد حواس چون معلم این چنین بودش مَنش خوش بیاید درس او با هر روش جملگی خواهان جلب او شوند گوشه چشمی گر کند با سر دَوَند گفست خُلق نیک اگر دارد دبیر جمله شاگردان کند با آن اسیر جملگی مشتاق درس او شوند دانش‌آموزند و دانشجو شوند گفست پیش از سال هفتم همچنان درس انشا داشت رنجی توأمان

چون نگاهم خاص بود و بی‌بدیل خنده می‌کردند بر من بی‌دلیل سال بعد اما پر از تشویق بود نکته‌سنجی‌ها تلاشم می‌فزود تا بدانجا پیش رفتم که خودم در مصاف کشوری اول شدم سال بعد از آن دبیری تندخو کرد احوالم دقیقاً زیر و رو بی‌توجه بود استعداد را حبس می‌کرد او به لب فریاد را تا بدانجایی که در خود رفته‌ام هر مشاور را که می‌شد رفته‌ام گفست گر ما را شناسد یک دبیر یا که چون سازد فضا را دلپذیر نیک داند در که<sup>۲</sup> استعداد چیست و آنچه می‌سازد فضا را شاد چیست خواستن همچون توانستن که نیست یا که استعداد، دانستن که نیست آنکه داند فرق بین این و آن درس راحت‌تر دهد او بی‌گمان گفست تشویق است پاداشی نکو آنچه باشد مرتبط با کار او

۱. که آراید: آراسته می‌کند

۲. چه کسی

سال هشتم ساعت فناوری یک دبیری بود محض داوری می‌شمرد استاره‌های طول سال کز درخششش بود مانند مدال ارزشش بر ما فزون‌تر می‌نمود زین سبب خود اشتیاق درس بود گفت گر شاگرد اول می‌شدیم یا رکورد خویشتن را می‌زدیم هدیه‌ای با لوح تقدیر آن زمان می‌رسید از دست آنان دستمان داشت آنجا لوح تقدیر امتیاز در قبولی‌ها وجودش یک نیاز آنچنان آنجا رقابت تنگ بود کز برای کسب نمره جنگ بود تا که حتی وقت اعلامش کلاس هر رقیبی بود سرتاسر حواس چون بینی پایه باشد یک دبیر خود به خود آن درس گردد دلپذیر در عوض چون درس (جا خالی) ما یک دبیری آمده پر ادعا بد زبان و زشت خوی و پرعتاب هم سؤال از ما بخواهد هم جواب خود نشیند گوشه‌ای و بی‌حواس

بی‌خبر از ماجراهای کلاس حال، رو انگیزه پیدا کن درو<sup>۱</sup> نصف آن را نزد ما کن جستجو یک دبیر دیگری داریم ما از لبش خنده نمی‌گردد جدا جمله یکسان اند در پندار او جمله خشنودند از کردار او شوق درس او فزون از سایر است جمعه گر گوید کلاسش دایر است گفتمت تدریس تأثیرش بسی است معترف بر این حقیقت هرکسی است گر بود تدریس جذاب و وزین میخ سان کوبد مخاطب بر زمین گر تمرکز رفت از پندار ما می‌پرد همچون کبوتر هر کجا گر که رایانه هم اکنون هنگ کرد نت پرید و با تو قصد جنگ کرد می‌شوی مشغول با کار دگر یا پردازی به افکار دگر یا که تمرین می‌کنی امضای خود یا برون از کفش‌سازی پای خود ما هم این سانیم هر یک در کلاس



گر تمرکز رفت چُرت است این حواس  
جسم ما آنجا و خود جای دگر  
از کلاس درس و دنیا بی خبر  
باز چون رایانه ات گردد دوا  
پیش خواهی بُرد بعدش کارها  
**۲.۶. کد محوری دوم: تفاوت‌های فردی  
دانش‌آموزان و رقابت**

روز دیگر دیگری آمد به پیش  
بود با همکار من فامیل و خویش  
رشته‌اش موسیقی و پیر جست و خیز  
خوش‌لباس و خوش‌زبان و تند و تیز  
گفتمش دانی چرا گفتم بی‌یا؟  
گفت دانم اندکی اما چرا؟  
گفتم آن چیزی که می‌بایست گفت  
هم صدایش صاف کرد و کفش جفت  
گفت خوش حسی دهد در امتحان  
چون شوم بهتر ز جمله دیگران  
دیگران بر من حسادت می‌کنند  
یا که ابراز ارادت می‌کنند  
چون که می‌فهمند درگیرش شوند  
همچو مشتاقان فراگیرش شوند  
چند وقتی بعد شد در را زدند  
بعد رخصت از در آن دو آمدند

قبلی آمد تا گشاید باب حرف  
آب گردد تا یخ ارباب حرف  
سربه زیر و شوخ‌طبع و تیزهوش  
گفت من در خدمت هستم به گوش  
گفتم از من در فضای مدرسه  
هست صحبت هر کجای مدرسه  
لیک گویم بار دیگر با تو من  
تا بدانی از کجا گویی سخن  
یک پژوهش کرده‌ایم آغاز ما  
زین فراگیران کنیم افراز ما  
بر رقابت آنچه می‌دارد اثر  
سعی می‌دارم از آن یابم خبر  
نام تو هرگز نیاید بر قلم  
هرچه گویی آورم از بیش و کم  
گر تمایل داشتی بعد از دفاع  
از نتایج می‌دهم من اطلاع  
گفتمش گواز کلاس و جو آن  
جانمانند نکته‌ای در آن میان  
گفت مشکل در توانایی بود  
جای دیگر چون تماشایی بود  
دیده‌ام آنان که اینجا در کلاس  
درس ناخوانند و بعضاً ناشناس  
جای دیگر گاه همچون باشگاه

از درخشش، کشوری یابند راه  
گفت من جزو زرنگان نیستم  
آنچه پندارند من آن نیستم  
سخت باشد در رقابت ناتوان  
هرچه هم کوشی نباشی آنچنان  
من چو می دانم ندارم آن توان  
در رقابت خود نیایم بی گمان  
بچه‌ها درگیر سیگارند و کار  
یا رفاقت‌بازی و سودای یار  
هرکسی جوری گرفتارکسی است  
چون رقابت جو نکو کردار کیست؟  
۴.۶. کدمحوری سوم: تعامل اثرگذار

#### مدرسه و خانواده

ما دهم بودیم و جو آن کلاس  
درس محور بود و پر بود از قیاس  
هم ز شاهد هم نمونه داشتیم  
زین سبب تخم رقابت کاشتیم  
تا عیار خود بسنجیم از تلاش  
لااقل در نزد خود سازیم فاش  
بچه‌ها را نیست شوقی در کلاس  
در کلاس اند و برون باشد حواس  
جو درسی نیست پس انگیزه نیست  
با که می باید رقابت، چاره چیست

درس را هم کم‌اهمیت دهند  
امتحان را هم در آخر می نهند  
خانواده گفتمش دارد اثر؟  
گفت آری بهر من هم بیشتر  
با پسر عمم که هم سن من است  
آنچنان کردند گویبی دشمن است  
بس که آوردند ما را در قیاس  
در کلاس و ورزش و هوش و حواس  
ناخودآگاه فکر، درگیرش شود  
هر تلاشی تحت تأثیرش شود  
گفتمش در خانه هم باشد فشار؟  
گفت آری از قیاس بی‌شمار  
بر سرم می زد همیشه یک کسی  
بود از او حرف در خانه بسی  
تا که شد کنکور و وضع او خراب  
گشتم آزاد از سؤال و از جواب  
تا سؤالات پژوهش را دقیق  
پاسخی گیرم سزاوار و عمیق  
با تنی چند از عوامل چون دبیر  
صحبتی شد درخصوصش ناگزیر  
آنچه می آید پس از این در شمار  
زین عزیزان مانده اینجا یادگار  
این سؤالاتی که کردم انتخاب

از عوامل هست از بهر جواب  
**۶. ۴. توضیحات یک معلم درباره تأثیر**

#### تشویق بایک شکلات

گر چه بی‌مقدار بود آن در نظر  
 بود تشویقی مناسب در اثر  
 لیک پندارم رقابت شد سبب  
 کاین چنین بودند بهرش در طلب  
 بحث عنوان و نه بحث خوردنی است  
 در حقیقت بحث اصلی بردنی است  
 عامل دیگر که بس دارد اثر  
 وز مدارس، خاص دارد بیشتر  
 اطلاع والدین از سطح درس  
 وجه تشویقی است آن، هم وجه ترس  
 در مدارس، عادی‌اش اینگونه نیست  
 کم بود حساسیت، وارونه نیست  
 در میان جمع باشد بیشتر  
 گیرد از تشویق یا تنبیه اثر  
 گفتمش از نوع تدریسست بگو  
 هرکجا نوعی است، کردم پرس‌وجو  
 گفت اینجا چون که کارودانش است  
 درس شیمی هم عمومی، پیش دست  
 سعی دارم در روش‌ها فی‌المثل  
 کاربردش را بگوید درعمل

چون بود سمپاد<sup>۱</sup> را سبکی دگر  
 لازم آید تا بگیرم در نظر  
 میل بر کنکور می‌گردد سبب  
 والدین از ما کنند آن را طلب  
 دانش‌آموزان از آنان بیشتر  
 ما هم آن خواهیم بود درد سر  
 نوع تدریس است تستی و دقیق  
 گاه هم مفهومی و غز و عمیق  
 یادگیری نیست در آنجا هدف  
 بل هدف کنکور و بودن پشت صف  
 کار جمعی گر که دارد امتیاز  
 هرکجا اجرای آن دارد جواز  
 لیک چون از مابسی گیرد زمان  
 کمتر آید در مدارس کارمان  
 گر زمان باشد درین چاپ جدید  
 می شود تدریس های نو پدید  
 گر چه باشد منبع کنکورشان  
 جزوه می گیرند از ما همچنان  
**۶. ۵. یافته‌ها درباره علت‌های رقابت**

هر رقابت دارد از خود علتی  
 همچو تاریخی که دارد ملتی

۱. سمپاد به‌عنوان نمادی از مدارس خاص آورده شده است.

خودنمایی‌ها به تعبیری کند  
 یاز تحقیری جلوگیری کند  
 گفت این جلب توجه بر کسی  
 نیست پوشیده، اثر دارد بسی  
 تا دهد خود را به باقی هم نشان  
 نیست معمولاً کسی زان در امان  
 تا کند ثابت خودش را بر دبیر  
 در رقابت می‌کند خود را امیر  
 گفت می‌آید چنینم در نظر  
 منشأ از نوع خودش گوید خبر  
 هم درونی همچو کسب جایگاه  
 یا برونی اینکه باشد در نگاه  
 گرچه این دو مرتبط باشد به هم  
 گاه یک سهمی زیاد و گاه کم  
 فی المثل جلب توجه هم کنون  
 سهم بیش از درون بخشی برون  
 کمتریش در عمل دارد نمود  
 بیش از آن باشد نیازی در وجود  
 از محاسن گر بگویم می‌توان  
 از تحرک یا که پویایی بیان  
 در هدف گر هیچ تحدیدی نبود  
 جنب و جوشی بهر امیدی نبود  
 باز از سعدی بگویم من سخن

ریخت گوهرگویی او از آن دهن  
 گر همه شب بود همچون شام قدر  
 بود بی‌قدر آن زمانه نام قدر<sup>۱</sup>  
 وز معایب می‌توان گفتا چنین  
 می‌شود موضوع اصلی جاگزین  
 جای فهم و یادگیری در کلاس  
 پرت گردد از رقابت‌ها حواس  
 حاشیه در جای متن آید مدام  
 خودنمایی شوق او سازد تمام  
 یادگیری در سطوح حفظ و فهم  
 در رقابت دارد آن بیشینه سهم  
 بیشتر در حفظ یابد برتری  
 تا برون آرد از آن سرها سری  
 همچنین گاهی شکست آید به پیش  
 آن زمان هم گم نماید باز، خویش  
 نوع دوم<sup>۲</sup> بر رقیبان سود نیست  
 جز رقابت ساز، کس مقصود نیست  
 کمترین گردد رقیبان را نصیب  
 این رقابت هست معمولاً فریب

۱. برگرفته از گلستان سعدی باب هشتم در آداب صحبت

که می‌فرماید: شب‌ها گر همه قدر بودی، شب قدر بی‌قدر بودی.

۲. اشاره به دو نوع رقابت که قبلاً ذکر شد.

این منافع تقویت سازد فضا  
 زمین سبب خود عیب باشد از قضا  
 یک نفر پیروز و باقی در شکست  
 این همه عیب از یکی آید به دست  
 یاد شعری من ز سعدی کرده‌ام  
 بیتی از آن را کنسون آورده‌ام  
 شهر را خواهی بسوزد بین نار  
 گر سرایت باشد از آن برکنار<sup>۱</sup>  
 این رضایت از شکست دیگران  
 هست یک آسیب جدی بی‌گمان  
 از معایب گر بگویم می‌توان  
 نام برد از منع خیر از دیگران  
 هم حسادت هست شایع بیشتر  
 بی تفاوت گشتنش هم در دسر  
 اینکه آیا جاگزینش لازم است؟  
 هست آری باید آن شیوه گسست  
 واژه‌ها را باید از نو کار بست  
 بهر تغییر فضا زان شست دست  
 اصطلاحاتی چو برتر یا نخست  
 می‌کند جو رقابت را درست  
 چون قیاس آرد تو را با دیگری

۱. اشاره به این بیت سعدی دارد: تو خواهی که شهری

بسوزد به نار / اگر چه سرایت بود برکنار

گرچه یکسان نیستی در داوری  
 در عوض کوشا چو خوانی یک کسی  
 یا موفق، جو عوض گردد بسی  
 یعنی اینجا کسب آن مقصود نیست  
 جمله هم کوشا شود، محدود نیست  
 کم نگردد ظرفیت‌ها از تلاش  
 گو به هر سطحی در آن هستی تو باش  
 لیس للانسان الا ما سعی<sup>۲</sup>  
 نیستی یعنی تو از سعی‌ات جدا  
 بحث الگوی موفق نفی نیست  
 شخص اینجا نیست مطرح، شیوه چیست؟  
 راه توفیقش نمایانند و بس  
 نی که تنها بود آن برتر چه کس؟  
 نی که تقلید از کسی الگو شود  
 جملگی معطوف شخص او شود  
 بلکه شوق فهم گرداند فزون  
 یادگیری خود شود شوق درون  
 گفتم اما جاگزینش هم بگو  
 گفت چیزی نیست کردم جستجو  
 لیک گر جای هدف تغییر داشت  
 بی‌گمان تغییر هم تأثیر داشت  
 یعنی از تعقیب کار دیگران

۲. قرآن کریم (سوره النجم / آیه ۳۹)

سوی خود رفتن بگیرد جای آن در قیاس آرد تلاشش با خودش یا خودش پیروز گردد یا خودش کم شود گوید تلاشم کم شده در نمودار، امتیازم خم شده نیست آسیبی که گفتم پیش ازین زمین سبب لازم نیاید جاگزین در رقابت هست آثاری نهان اینکه جز من کس نیاید در میان اینکه خواهد کس نگیرد جای او گر بگیرد در حسد گردد فرو از شکست او گر بگردد گوشه گیر گر بداند باخبر گردد دبیر والدین اما ز هر جا بی خبر بی سبب گوید که باشد در خطر بی خبر کاو از رقابت ضربه دید این چنین او را نموده ناامید گر ز آثار نهان پرسی ز من نکته‌هایی هست و می‌گویم سخن آنچه گفتم در معایب عمدتاً گوید از آثار پنهانش سخن اینکه باشد این رقابت‌ها سلیم حقه‌ای باشد که گویند از قدیم

بهر حفظ ظاهرش گفتند، این کاین رقابت با رفاقت شد عجین تا عیوبش پشت آن پنهان کنند این چنین آن را به ما عنوان کنند جای مشق «خوب بودن» در شعار سعی در برترشدن آمد به کار نکته دیگر که می‌دارد غرض شد وسیله با هدف جایش عوض یادگیری شد هدف در این مصاف گر چه پُل شد عاقبت بر این شکاف شد وسیله محض کسب امتیاز چون موقت هست فهمش، بی جواز هم موقت سود و سوزش پایدار سال‌ها آثار سوئش ماندگار آنچه صحبت بود پایانش رسید تا منم پایان برم گفت و شنید گشته اشباع و کنون شد باورم دفتر این بخش را پایان برم

**۷. بحث و تفسیر**

چاقوی تحلیل بر اجرا زدم دست خود تا کسب این آرا زدم آنچه در برنامه درسی نهان گشته را خواهم چنین سازم عیان

هرچه کوشم باز فهمش هست سخت دست من کوتاه و خرما بر درخت بخشش دیگر اکتسابی خوانده‌ام از کجا آغاز سازم، مانده‌ام از دبستان چون برون آید کسی روی سَمپادش بود میلش بسی در ورودی هست تست و آزمون جذب معدودی ز تعدادی فزون این‌چنین او کسب کرد این معرفت در میان جمله دارد این صفت گر معادی هم گذارد پای خود روی سکو او بداند جای خود پیش اندازد خودش بااختلاف از دبستان لب گشودست این شکاف فرصتی شد تا دهد خود را نشان چون هم‌اوردی ندارد آنچنان باسهولت می‌شود ممتاز، او خاص پندارد خودش را باز، او تا که در کنکور خاصان گرد هم یک رقابت می‌زنند آنان رقم باز کرسی‌های نیکو آن‌شان رشته‌های مانده آن دیگران آزمون‌های رقابت‌پروری

آنچه پنهان بود پشت این هدف کشف بایستی چو گوهر در صدف بر رقابت هرچه را باشد اثر سعی کردم تا از آن جویم خیر از سطوح عالی وصف هر چه هست هر چه از واکاوی‌اش آمد به دست هرچه تندور رقابت گرم داشت هرکه چوب هیزمش از قبل کاشت گفتگوها چون سرآمد آن زمان صوت‌ها را متن کردم بعد از آن شد مفاهیم نخستینش برون گشت کدهایی نمایان از فزون از طریق کدگذاری‌های باز خوشه‌های محوری شد سرفراز جمع شد کدهای باز در سه سو گشت هر یک محوری زان گفتگو<sup>۱</sup> آنچه از کدها بگردید آشکار درسه بخش آرم به تفکیک از قرار بخشی از آن ذاتی است از این جواب کرده بخش دیگرش را اکتساب یک کسی می‌گفت باشم ناتوان تا رقابت‌جو شوم در این میان

۱. برداشتی از استراس و کوربین (۱۳۹۰)

جملگی دارند این سان جوهری  
 حیف پندارند ماندن بیش ازین  
 می‌روند آرام از این سرزمین  
 مغز خود گیرند پنهان در بغل  
 رشدشان تا اینکه نپذیرد خلل  
 از فضای حاکم و فرهنگ آن  
 نکته‌هایی را دهم اینک نشان  
 آنچه بیرون شد از آن کدهای باز  
 آورم اکنون که گردد چاره‌ساز  
 هم عوامل هم دبیران با سپاس  
 جلب خود سازند باهوش کلاس  
 سهم و نقش اولیا در این میان  
 نیست پنهان از نگاهم بی‌گمان  
 چشم و هم‌چشمی به‌عنوان قیاس  
 جوّ منزل را نماید چون کلاس  
 هست در منزل شرایط همچنان  
 چون که یکسان نیست سطح این و آن  
 این فشار بی‌سبب آسیب‌زاست  
 این رقابت در دو میدان ناسزاست  
 حذف جوّ نامؤثر همچنین  
 بر رقابت هم اثر دارد، یقین  
 بر زبان بچه‌ها آمد همین  
 چون هدف دارد برای کار خویش

التزام آور کنند رفتار خویش  
 گفته شد نقش معلم پیش ازین  
 مختصر گویم ز نقشش این‌چنین  
 نقش ایشان در سه بخش افزا شد  
 جای خود هر بخش نقشش باز شد  
 ویژگی فردی در هر دبیر  
 اولین بخش است و نقشش کم‌نظیر  
 خلق و روی نیک و گرم و باوقار  
 در تعامل لازم است و آشکار  
 نقش آن را کی شود انکار کرد  
 ارتباط از آن توان بسیار کرد  
 ارتباط ارگشت پایا و قریب  
 بهر جلب او پیاخیزد رقیب  
 تاز خود راضی نماید آن دبیر  
 سعی دارد تا که باشد بی‌نظیر  
 بود این کد نقل و تکرارش زیاد  
 یعنی از نقشش چنین پرده گشاد  
 از توانایی تدریس دبیر  
 ذکر باید کرد بخشی ناگزیر  
 در کلاسی که مدیریت شود  
 هر پریشانی است جمعیت شود  
 عرضه خواهد شد به جای خود از آن  
 تا فراوان‌تر بود از آن نشان



بخش دوم در روش یا رویکرد منحصر دانند بعضی آن به فرد هر روش باشد هدف قطعاً یکسیت غیر رشد دانش‌آموزان که نیست رویکردی هست نزد معتبر دانش‌آموزان همه گیرد نظر بر تفاوت‌های فردی بنگرد خوان لطفش بر تمامی گسترده چون ببیند در نظر باشد کسی بر تلاش خود فزاید او بسی در تسابق پا نهد زین اعتقاد تا کند بر او دبیرش اعتماد از فراگیران سؤالی گر نمود پاسخش بر لب نراند هیچ زود بر زرنگان هم نتابد روی خود تا نیانگیزد رقابت‌جوی خود فرصت یکسان دهد او بر همه سطح فهم و درک، دانش در همه فرصت یکسان چنین شد بیش و کم چون توان هرکسی بُد بیش و کم جملگی باید که در وقت کلاس در تکاپو سر کنند و باحواس یادم آمد یک زمان در اعتکاف

یک سخنرانی پیامد موشکاف دید چون در پشت صف صحبت کنند گفت چندین نکته تا رغبت کنند چون نشد، گفتا صف اول رسید<sup>۱</sup> نکته‌ای گفت او که صد باید شنید یک معلم آشپز باشد کلاس تا نسوزد هم زند او از هراس تَه اگر گیرد غذا بی‌فایده است کس نخواهد بر غذایت بُرد دست درس باید مرده را جان آورد جملگی باید به میدان آورد هرچه سازد جوّ درسی، نیست شک بر تمرکز می‌نماید آن کمک بخش دیگر آن فضای عاطفی است بحث خواهم کرد این ابزار چیست مبحث تشویق و تنبیه است آن جای دیگر آرم از سود و زیان هرچه از بیرون شود تزریقشان نیست پایا تا به آخر بی‌گمان گر که تا بیخ درختی تر نشد سیل هم آید بر او بهتر نشد گر همه عالم شود روشن ز نور

۱. برسد = بیاید

کی تورا سودی دهد، باشی چو کور  
شوق باید از درون جوشش کند  
تاچنان جنس خودش رویش کند

#### ۸. پیشنهادها

سن یکسان در زمان ثبت نام  
اختلاف سطح می دارد دوام  
پیش از آن کاین فاصله گردد عیان  
اختلاف نمره بیند نوجوان  
برشکوفایی شود میلش فزون  
تا ببیند خویش را او از بیرون  
بر رقابت تن زند تا بذر او  
آشکارا گردد و آید به رو  
گفته شد این گونه و این اکتشاف  
عرضه دارم تا شود کم این شکاف  
دانش آموزی که آید ثبت نام  
از سلامت کآورد نامه، تمام  
یا که عادی یا که استثنائی است  
ثبت نامش یک ازین دو جائی است  
هست استثنائی از ذهنی و جسم  
عادی از باهوش و معمولی دو قسم  
باید این غربال گردد ابتدا  
تا رقابت جو شود اول جدا  
بهر استثنائی ار باشد مکان

تیزهوشان نیز می باید چنان  
گرچه می گویند باشد نادرست  
در دبیرستان چرا بایست جست؟  
از عدالت گرچه دور است این سخن  
اینکه گفتم تا جدا باشند، من  
تیزهوشان گر که حکمش بودن است  
حرف من، در ابتدا افزودن است  
ساز و کارش در پژوهش می توان  
موشکافی کرد و کردش امتحان  
لیک باید این فواصل کم شوند  
جملگی سرباز یک پرچم شوند  
عرضه دیگرکنون عنوان کنم  
آشکار است از چه من پنهان کنم  
آنچه از نقش معلم گفته ایم  
جمله میدانیم اما خفته ایم  
چون گزینش نقل سرچشمه است و آب  
گر زلال آید نگرداند خراب  
تا رسد بر تشنه می باید بسی  
پاک داری تا نیلایید کسی  
بود انگیزه و یا روی نکو  
آن کد بازی که کردم پرس و جو  
گراهمیت چنان دارد چرا  
ما رها کردیم کل ماجرا؟

هرسه سال از بازاریابی شود این نظارت همچو آئینی شود این تسابق با دبیران افکنیم ریشه‌ی بی‌حاصلی را برکنیم آن مراکز کاندیدان فرهنگیان جذب می‌گردند، هم‌گشته نهان چون خودم آنجا به سر بردم بسی جو آن دانم فزون از هرکسی آنکه می‌باید رقابت کم کند خود رقابت با همه عالم کند عرضه‌ی دیگر خطایم با دبیر تا کمی باشد برایش دست گیر گفت موسی<sup>(ع)</sup> در دعایش این سخن از نیاز و نقصان خارج مکن<sup>۱</sup> چون زیادت‌ها درون نقص هاست گنج با خاک خرابه‌آشناست آدمی خواهد تعادل جو شود تا تحول یابد و نیکو شود<sup>۲</sup> گفت خواهی مرحله پران شوی

روبه‌رو باید تو با بحران شوی<sup>۳</sup> بی‌تعادل بودن اینجا آن نیاز گر به آن بحران خوری گردی فراز این همه گفتم که گویم این سخن در فراگیری نیازی باز کن تا ز پاداشت بگردی بی‌نیاز خود رود در گرد پاسخ تا حجاز نکته‌ای جا مانده از آنچه گذشت در جوابم این چنین عنوان بگشت اینکه گویی مدرسه یا که دبیر هست تنها آن مقصر ناگزیر لازم آمد گویم اینجا اولیا نقششان افزون بود در ماجرا خود درون یک رقابت مانده‌اند زین سبب هر لحظه ذکرش خوانده‌اند بهر کسب برتری در اجتماع تا نمایند این عناوین اجتماع در قیاس افتند و خود هرسو زنند اعتباری تا برای خود خرنند گر بخواهیم آنچه توصیفی بود در دبیرستان همین جاری بود

۱. اللهم لا تُخْرِجني مِنَ التَّصْيِرِ وَ لا تُجْعَلني مِنَ الْمُعَارِينِ

(اصول کافی، جلد ۴، ص. ۳۷۰)

۲ سخنی از پیازه که «اصل تعادل‌جویی کلید تحول روانی بشر است».

۳. از سخنان اریک اریکسون روان‌شناس آمریکایی است که در مراحل رشد خود مطرح می‌کند.

تا رقابت افتد از این تاب و تب  
 چون دبستان از سر افتد این طلب  
 بی شک آنجا نیست امکان و اثر  
 اولیا یابند گر از آن خیر  
 جمع هرگز من نبندم اولیا  
 لیک می باشند جزو ماجرا  
 گر کسی خواهد کند دنبال این  
 عرضه دارم تا که پی گیرد چنین  
 باد و جنسیت بجوید این هدف  
 هم ستادش جوید و هم سطح صف  
 یا نمون موردی گیرد بدست  
 تا بر آوردش کند سعی و شکست  
 یا دبیرستان خاص و تیزهوش  
 بهتر از عادی دهد نکته به گوش

#### ۹. محدودیت

نیک دانستم رهم هموار نیست  
 عشق چون باشد دگر دشوار نیست  
 شوق کعبه گر که باشد در قدم  
 گر بود خار مغیلان نیست غم  
 باید از قالب بگویم ابتدا  
 بود این محدودیت تا انتها  
 وزن این ابیات بود اینگونه چون  
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

در چنین قالب نمی آمد گهی  
 یک لغت تا بین آن جمله نهی  
 بهر کسب جاگزین گاهی بسی  
 در لغت نامه نمودم و ارسی  
 گاه هم تولید می کردم خودم  
 ناامید از جستجو گر می شدم  
 با تسابق یا مخاص و شکلات  
 گشت آسان جملگی این مشکلات  
 با همه اینها به الطاف خدا  
 زین دو بگذشتم ولیکن با عصا  
 همکلامی همچنین محدود بود  
 راه یکتا بهر این مقصود بود  
 خواستم از هر دو جنس آرم درین  
 جنسیت تنها پسر شد جاگزین  
 بود هم محدودیت بحث زمان  
 تا نگردد آنچه دادم سازمان  
 خواستم این هم کلامی در مخاص  
 یک موارد دادم آنجا اختصاص  
 هم معاون بودم و محدودتر  
 همکلامی هم نمی شد زودتر  
 بود یک ساعت چو هر یک گفتگو  
 من شدم با این موانع روبه رو  
 قصد کردم با دبیران همچنین

در روایت‌های افراد از کلاس و آنچه را در قصه کردم اقتباس سعی بر آن داشتم در هر زمان آنچه گفتند آورم عیناً بیان آن میان گر یک نفر فرضاً سؤال داده سوگیرانه پاسخ، لامحال یا گمان دارم به بعضی گفتگوی یا زُستم یا ز بیم آبروی نکته‌ها سربسته شاید شد بیان یا فقط بخشی بیامد بر زبان این همه دارد روایی را اثر چون مغیلان است در راه سفر

بعد دی صحبت کنم چون سایرین لیک زین بیماری واگیردار<sup>۱</sup> نامیسر بود بگذارم قرار با تماس صوتی آخر کار را کردمش آسان من آن دشوار را جای رو در رو نگیرد هیچ گاه عمق کم در گفتگو باشد گواه با دبیران همانجا، این نشد با نکات نغزشان تزیین نشد چون که دانشگاه هم تعطیل شد مشکلاتی روی من تحمیل شد بر منابع هست کمتر دسترس تا به پیشینه شوم فریاد رس با همه اینها ز حق هم نگذریم این صدف شد تا که گوهر پروریم این فراغت گر نمی‌آمد به پیش مانده بودم چون کنم با کار خویش

۱. در پی بحران دنیاگیری بیماری کرونا ویروس کوید-۱۹، در نقاط مختلف جهان، دنیاگیری کرونا ویروس در ایران به صورت رسمی در ۲۹ بهمن ۱۳۹۸ تأیید شد. فاصله اجتماعی و ایزوله کردن و قرنطینه مردم در خانه‌هایشان به عنوان مهم‌ترین وسیله پیشگیری مواجهه با بیماری شناخته شد و از همان روز اعلام، همه مدارس و دانشگاه‌های سراسر کشور تعطیل شدند.

## جدول ۱- تشکیل مؤلفه‌ها و مقولات

کدهای باز (مفاهیم سطح ۱)	مؤلفه‌ها (مفاهیم سطح ۲)	کد محوری (مقوله)
توجه ویژه به تفاوت‌های فردی و استعداد‌های دانش‌آموزان	۱-۱) روش و رویکرد تدریس	۱) نقش معلم
رعایت عدالت آموزشی		
روش تدریس مناسب و مفهومی		
اهمیت دادن به درس و امتحان		
جلب توجه کامل دانش‌آموزان در کلاس		
استفاده از کارگروهی در روش تدریس		
باانگیزه بودن برای تدریس	۲-۱) ویژگی فردی معلم	
خوش‌برخوردی و خوش‌خلقی معلم		
توانایی معلم در تدریس		
استفاده از انواع تشویق متعارف بدون تهدید	۳-۱) فضای عاطفی	
مشاوره دقیق و ترسیم آینده شفاف		
ایجاد ارتباط مناسب و قوی بین دانش‌آموز و معلم		
رقابت‌کننده‌ها دیگران را تحریک می‌کنند تا در رقابت باقی بمانند	۱-۲) ویژگی‌های فردی رقابت‌کننده	۲) ویژگی‌های فردی دانش‌آموزان رقابتی
جلب توجه معلم		
پیشگیری از تحقیرشدن		
میل به تجربه کردن هر چیز		
توانایی و استعداد دانش‌آموز یا داشتن قابلیت رقابت		
مهم بودن نظر دیگران		
احساس خوش در زمان حسادت دیگران		
تلاش برای جلوتر بودن		
ارتباط صمیمی با رقیب		
اهمیت دادن به درس و امتحان		
داشتن انگیزه برای فهمیدن درس		
میل به کمک در رقابت‌کنندگان		

ترس از عقب‌افتادن در بین رقبا	۲-۲) تأثیرات رقابت بر رقابت‌کننده	
رقابت‌کننده‌ها ضعف بقیه را به تمسخر می‌گیرند		
رقابت‌کننده‌ها دوست دارند محبوب باشند		
بیشتر شدن تلاش بعد از کم شدن از رقیب		
توجه به نمره سایر رقبا		
لج‌بازی و درعین حال کمک به رقیبان	۱-۳) تأثیر والدین	
چشم و هم‌چشمی اقوام		
مقایسه‌کردن‌های والدین	۲-۳) تأثیرپذیری از شرایط محیط پیرامون	۳) تعامل اثرگذار مدرسه و خانواده
وجود جو درسی و رقابتی		
درگیر نشدن بچه‌ها با عوامل منحرف‌کننده مانند رقیب بازی و اعتیاد		
مورد توجه بودن دانش‌آموزان به اصطلاح زرنگ		
پررنگ‌تر شدن درس‌های تخصصی	۳-۳) تأثیر مواد درسی	
کنکور		
پررنگ‌تر شدن دروس تخصصی و کاربردی		

## کتاب‌نامه

## قرآن کریم

۱. ابوطالبی، ن، مؤمنیان، ف. ص.، و نوروزی، خ. (۱۳۹۵). تحلیلی بر شیوه‌های ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی نظام آموزشی مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۲(۴/۲)، ۶۰-۷۹.
۲. استراس، آ.، و کوربین، ج. (۱۳۹۰). اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها (ب. محمدی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. اصلانی، ا. (۱۳۸۷). مدرسه بدون رقابت. تهران: نشر دوران.

۴. اصلانی، ا. (۱۳۷۷). مقایسه اثربخشی سه روش رقابت فردی و تلاش فردی و رقابت گروهی در پیشرفت تحصیلی (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده رشته روان شناسی تربیتی). دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
۵. افشارنیا، م.، عباسی، ر.، و دسترنج، م. (۱۳۹۷). بررسی مدیریت کلاس درس و روش کلاس داری معلمان در مدارس و مراکز آموزشی. پژوهش در هنر و علوم انسانی، (۱۰)، ۷۳-۸۸.
۶. اکبری، ا. (۱۳۹۰). نیازهای نوجوانان و جوانان (چاپ دوم). تهران: انتشارات رشد و توسعه.
۷. پناهنده، ر.، و افرشته، ت (۱۳۹۶). دام رقابت و آسیب های آن در مدرسه. مجله رشد آموزش ابتدایی، ۲۱ (۴)، ۳۱-۳۳.
۸. خمارلو، م. ت. (۱۳۷۶). جست وجود در راهها و روش های تربیت: تهران: نشر آگاه.
۹. دیانی م.، و تقی پناهی، ف. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه های مطالعه در دانش آموزان ابتدایی و راهنمایی. کتابداری و اطلاع رسانی، ۱۱ (۳۹)، ۵۶-۲۹.
۱۰. ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
۱۱. شارون، ج. (۱۳۷۹). ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی (م. صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۲. شعاری نژاد، ع. (۱۳۷۲). روان شناسی رشد. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۳. شعاری نژاد، ع. (۱۳۸۵). روان شناسی انسان سالم. تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۴. شعبانی ورکی، ب. (۱۳۸۵). منطق پژوهش در علوم تربیتی و اجتماعی: جهت گیری نوین. مشهد: به نشر.
۱۵. صادقی، ج. (۱۳۹۰). عوامل رقابت جویی و رابطه آن با پیشرفت تحصیلی. فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت نظامی، ۱۱ (۴۱)، ۶۵-۴۳.



۱۶. صفایی موحد، س، و ایزدی فر، ا (۱۳۹۶). واکاوی رفتارهای خشونت آمیز آموخته شده در مدرسه از منظر برنامه درسی پنهان. *فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی*، ۳(۶)، ۱۵۰-۱۲۷.
۱۷. کرامتی، م. (۱۳۸۰). رقابت یا رفاقت در کلاس درس. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۱(۲)، ۱۵۶-۱۳۹.
۱۸. فتحی واجارگاه، ک (۱۳۸۸). *اصول و مفاهیم اساسی برنامه درسی*. تهران: نشر بال.
۱۹. کرانبخ، ل. (۱۳۶۴). *روانشناسی تربیتی (جلد دوم)* (م. رضوی، مترجم). تهران: دهخدا.
۲۰. کرسول، ج. (۱۳۹۱). *پویش کیفی و طرح پژوهش انتخاب از میان رویکردها (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری: مطالعه موردی)* (ح، دانایی فرد و ح. کاظمی، مترجمان) تهران: انتشارات صفار.
۲۱. گال، م، بورگ، و، و گال، ج. (۱۳۹۱). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی* (ا. ر. نصر و همکاران، مترجمان). تهران: انتشارات سمت.
۲۲. مهرمحمدی، م، و امام جمعه، م و حاتمی، ج و موسی پور، ن و میرشمشیری، م (۱۳۹۶). *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها (ویراست ۳: با اضافات)*. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

23. Amabile, T. M. (1982). *Children's artistic creativity: Detrimental effects of competition in a field setting. Personality and Social Psychology*, 8, 573-578.
24. Babbedge, E., Strudwick, D., & Thacker, J. (2005). *Educating children with emotional and behavioural difficulties: inclusive practice in mainstream schools*. London: Routledge.
25. Chan, J. C. Y., & Lam, S., (2008). *Effects of competition on students' self-efficacy in vicarious learning. British Journal of Educational Psychology*, 78, 95-108
26. Coles, R. (1989). *The call of stories: Teaching and the moral imagination*. Boston: Houghton Mifflin.

27. Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). *Intrinsic motivation and self-determination*. New York: Plenum Press.
28. Eisner, E. (2002). *The educational imagination: On the design and evaluation of school programs* (3<sup>rd</sup> ed.). Upper Saddle River, NJ: Merrill Prentice Hall.
29. Feshbach, S., & Weiner, B. (1991). *Personality* (3<sup>rd</sup> Ed.). Lexington: D.C. Heath and Company.
30. Franken, R. E., & Brown, D. J. (1995). Why do people like competition? The motivation for winning, putting forth effort, improving one's performance, performing well, being instrumental, and expressing forceful/aggressive behavior. *Personality and Individual Differences*, 19, 175-184.
31. Kohn, A. (1986). *No contest: The case against competition*. Boston: Houghton Mifflin.
32. Lam, S.-F., Yim, P.-S., Law, J. S. F., & Chenug, R. W. Y. (2004). The effects of competition on achievement motivation in Chinese classrooms. *British Journal of Educational Psychology*, 74, 281-296.
33. Kohn, A. (1991). Group grade grubbing versus cooperative learning. *Educational leadership*, 48(5), 83-87.
34. Mc Carthy, C. (2017) Boost student success overall by promoting collaboration instead of competition. *Recruiting & Retaining Adult Learners*, 20(2), 12-12.
35. Morgan, B. (2003). *Cooperative learning in higher education: Undergraduate student reflections on group examinations for group grades*. *College Student Journal*, 37(1), 40-50.
36. Myers, D. (1988). *Social psychology* (2<sup>nd</sup>. Ed.). [New York](#): McGraw-Hill Book Company.
37. Onwuegbuzie, A. J. (2001). Relationship between peer orientation and achievement in cooperative learning-based research methodology courses. *The Journal of Educational Research*, 94(3), 164-170.
38. Ornstein, A., & Hunkins, F. (2018). *Curriculum foundations, principles, and issues*. London: Pearson Education.
39. Reber, A. (1985). *The Penguin Dictionary of psychology*. London: Penguin Books.

40. Ryan, K., Cooper, J. M., Bolick, C. M., & Callahan, C. (2021). *Those who can, teach*. Boston: Cengage Learning.
41. Tripathi, K. N. (1992). Competition and intrinsic motivation. *Journal of Social Psychology, 132*, 709-715.